

نقش و جایگاه اتحادیه اروپا در روند صلح خاورمیانه

شهرام فرسائی^۱

سرآغاز

منطقه خاورمیانه برای اتحادیه اروپا از اهمیت بسزایی برخوردار است. ارتباطات بین اروپا و این منطقه از جهان تازگی ندارد بلکه سابقه‌ای طولانی از فعل و انفعالات و اثرات متقابل در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بین کشورهای خاورمیانه با قاره کهن اروپا وجود دارد. خاورمیانه منطقه سنتی نفوذ اروپا و برای کشورهای عضو "اتحادیه اروپا"^۲ منافع حیاتی دارد. موقعیت جغرافیایی خاورمیانه برای دسترسی آسان اروپا به مناطق مجاور، وابستگی اتحادیه اروپا به منابع عظیم نفتی خاورمیانه، اهمیت بازارهای تجاری خاورمیانه برای اروپا و همچنین ارزشی که اروپا برای روابط اقتصادی و تجاری خود با خاورمیانه قائل است، باعث توجه جدی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به این منطقه شده است. در این راستا امنیت و ثبات در خاورمیانه برای پیشبرد اهداف اروپا بسیار حائز اهمیت است و اتحادیه اروپا بواسطه مجاورت با کشورهای خاورمیانه و همچنین منافع مهمی که در منطقه دارا است، در صدد نقش بیشتر و سهم قابل توجه در روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی و تحولات سیاسی و اقتصادی منطقه است. از سوی دیگر پایان جنگ سرد و از هم گسیختگی نظام دوقطبی باعث تغییر در ماهیت

۱. آقای شهرام فرسائی، کارشناس دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

2. European Union (EU)

وضعیت خاورمیانه شده است. گسترش اتحادیه اروپا در ظرف چند سال گذشته این امکان را برای کشورهای اروپایی فراهم آورده است تا به فراخور قدرت اقتصادی خود حضوری بیشتر در تحولات سیاسی جهان به ویژه خاورمیانه داشته و نه تنها به چالش‌های این منطقه پاسخ داده بلکه در فرآیند تحولات منطقه سهمی مساوی داشته و شریکی برابر با آمریکا باشند. بدین ترتیب کشورهای اروپایی نسبت به "روند صلح خاورمیانه"^۱ بی تفاوت نبوده‌اند. بعضی از این کشورها پیوندهای تاریخی محکمی با فلسطین و بیت‌المقدس دارند. بعضی دیگر از کشورهای اروپایی حضور استعماری در خاورمیانه داشته یا در کنفرانس‌های صلحی که وضعیت جدید خاورمیانه را شکل داده، مشارکت داشته‌اند. بعضی از کشورهای اروپایی مسئولیت‌های ویژه بین‌المللی در این منطقه داشته‌اند، بطوریکه انگلستان قیمومیت فلسطین را بر عهده داشته است. کشورهای اروپایی همچنین در مباحث "جامعه ملل"^۲ در خصوص موضوع قیمومیت و مسأله بیت‌المقدس و اورشلیم حضور فعالانه‌ای داشته‌اند. این کشورها همچنین در مباحث "سازمان ملل متحد"^۳ در خصوص آینده فلسطین و در صدور قطعنامه‌ها نقش داشته و تلاش‌های دوجانبه و چندجانبه‌ای را جهت اعاده صلح و آرامش به خاورمیانه به عمل آورده‌اند.

هنگامی که موضوع خاورمیانه و روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی و نقش قدرت‌های خارجی در آن مطرح می‌شود این سؤال اصلی به ذهن متبادر می‌شود که در حقیقت اتحادیه اروپا چه نقشی را در روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی ایفا کرده؟ و چه جایگاهی را می‌توان برای این اتحادیه در تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه و در خصوص مسأله اعراب و رژیم صهیونیستی بویژه در دهه اخیر میلادی متصور شد؟ آیا هر یک از کشورهای اروپایی سیاست مستقلی را با توجه به منافع ملی خود در روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی دنبال کرده و یا این که سیاست‌های مشترکی را در قبال تحولات صلح داشته‌اند؟ ریشه‌های تاریخی سیاست مشترک اروپا در قبال روند صلح کدامند؟ چه علل و عواملی زمینه‌ها و موجبات شکل‌گیری آن را فراهم آورده است؟

این نوشتار در نظر دارد تا نقش و سیاست اتحادیه اروپا را در قبال روند صلح خاورمیانه

-
1. Middle East Peace Process
 2. League of Nations
 3. United Nations (UN)

مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. در این خصوص ضمن پاسخگویی به سؤالات مطرح شده، ریشه تاریخی سیاست مشترک اروپا و سیر فراز و نشیب‌های نگرش اروپا در قبال روند صلح خاورمیانه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

ریشه‌های تاریخی سیاست مشترک اروپا در خاورمیانه

از نظر تاریخی تلاش کشورهای عضو اتحادیه اروپا جهت اتخاذ سیاستی مشترک و ایفای نقشی مستقل و متمایز از دیگر قدرت‌ها در روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی به اوایل دهه ۷۰ میلادی بر می‌گردد. در حقیقت نگرش و سیاست مشترک اروپا در قبال خاورمیانه بعد از بحران سال ۱۹۷۳ شروع شد و تا قبل از این هر یک از کشورهای اروپایی دارای دیدگاه‌های خاص خود بوده و منافع خود را در تحولات سیاسی و اقتصادی خاورمیانه تعقیب می‌کردند و بدین ترتیب سیاست‌های مستقل آنها در بعضی مواقع با یکدیگر در تضاد بود. در این زمان دو عامل اصلی یکی پویایی و تحرک همکاری‌های بین کشورهای اروپایی و دوم وقایع خاورمیانه نقش عمده‌ای در ایجاد سیاست مشترک اروپایی داشت.^(۱)

همکاری‌های سیاسی اروپا

تحولات پس از پایان جنگ جهانی دوم کشورهای اروپایی را برآن داشت تا پس از گسترش دامنه همگرایی اقتصادی، به فکر وحدت سیاسی و همکاری در حوزه سیاست خارجی و تدوین یک سیاست خارجی واحد اروپایی باشند و از این رهگذر در عرصه بین‌المللی بیشتر نقش آفرینی کنند. تلاش‌های اندیشمندان و طراحان سیاست مشترک اروپایی منجر به ایجاد نهادی بین‌دولتی تحت عنوان "همکاری سیاسی اروپایی"^۱ شد. بنابراین با ایجاد این نهاد، کشورهای اروپایی عضو "جامعه اروپا"^۲ در صدد برآمدند تا در حوزه سیاست خارجی با هماهنگی و تفاهم متقابل بیشتر و از طریق همکاری نزدیک و اقدام دسته جمعی منافع خود را نه به صورت فردی بلکه در چارچوب همکاری‌های جمعی و مشترک دنبال کنند. در این زمان

1. European Political Cooperation

2. European Community (EC)

منطقه خاورمیانه به واسطه منابع عظیم نفت، نقش اتحاد جماهیر شوروی، گرایش این منطقه به مناقشه و مجاورتش با اروپا مورد توجه کشورهای عضو جامعه اروپا بود. از طرفی نقش و سیاست‌های اروپا در خاورمیانه در طول دو دهه قبل از آن به وسیله امریکا اعمال شده و لذا اروپائیان در صدد بودند سیاست‌های مشترک و درعین حال مستقل و متمایز از امریکا در پیش گیرند.^(۲)

وقایع خاورمیانه

وقایع خاورمیانه هم به نوبه خود نقش و تأثیر بسزایی در توسعه سیاست مشترک اروپا داشت که البته مهمترین آن جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۳ و متعاقب آن بحران نفتی بود. در این خصوص حوادث سال ۱۹۷۳ دو پیامد مهم داشت، یکی اینکه این حوادث به طور چشمگیری آسیب‌پذیری فرآورده‌های نفتی اروپا را در برابر اقدامات خصمانه کشورهای خاورمیانه علیه یکدیگر آشکار ساخت و دوم اینکه این وقایع همچنین به کشورهای عرب تولید کننده نفت قدرت مالی عظیمی داد و موجی از فعالیت‌های اعراب در مقابل رژیم صهیونیستی را برانگیخت و احساس همدردی نسبت به مردم مظلوم فلسطین و لزوم یافتن راه حلی که مطلوب اعراب باشد را یادآور شد.

کشورهای اروپایی هم جهت دسترسی به منابع نفتی خاورمیانه به اعراب نیاز داشتند و به دلیل وابستگی به نفت خاورمیانه همواره این منطقه را مورد توجه قرار می‌دادند. هرگونه اختلال در دسترسی اروپا به نفت خاورمیانه باعث ایجاد بحران اقتصادی برای اروپا می‌شد گذشته از اینها دسترسی به بازارهای تجاری خاورمیانه و همچنین سرمایه‌گذاری اعراب در اروپا از طریق "دلارهای نفتی"^۱ مورد نظر اروپائیان بود. از سوی دیگر کشورهای عرب منطقه خاورمیانه هم به فراست از این نقطه ضعف و آسیب‌پذیری کشورهای اروپایی در قبال افزایش قیمت نفت و عدم دستیابی به آن آگاه بودند و از آن به عنوان ابزاری جهت تغییر رفتار کشورهای اروپایی در قبال جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی و مسأله فلسطین بهره‌برداری می‌کردند. از همه مهمتر این بود که اعراب تصور می‌کردند که آن‌ها می‌توانند از اروپائیان به عنوان اهرم فشار بر امریکا جهت

1. Petrodollars

تغییر سیاست این کشور استفاده کنند. ارتباط بین مسائل سیاسی و اقتصادی مبنایی برای گفتگوهای به اصلاح اروپا و اعراب و آغازی از تغییر شگرف در رفتار و نگرش اروپا نسبت به مسأله اعراب و رژیم صهیونیستی شد.^(۳) بدین ترتیب اروپا در جریان جنگ ۱۹۷۳ و در رویارویی با بحران نفتی مجبور به اتخاذ رویه‌ای مخالف خواست رژیم صهیونیستی و امریکا گردید و حتی انگلستان به متحد سنتی خود یعنی امریکا اجازه استفاده از پایگاه‌هایش را در انگلیس جهت ارسال محموله‌های نظامی و تدارکاتی به رژیم صهیونیستی نداد که این امر حاکی از اهمیت استراتژیک منطقه خاورمیانه برای منافع حیاتی اروپا بود. این جهت‌گیری‌ها و رفتار کشورهای اروپایی باعث می‌شد تا رژیم صهیونیستی به اروپا به دیده‌ی طرفدار و حامی اعراب نگاه کند.

در نوامبر سال ۱۹۷۳ جامعه اروپا بیانیه‌ای را صادر کرد که چارچوبی را جهت سیاست خاورمیانه‌ای اروپا ترسیم می‌نمود. این بیانیه اشعار می‌داشت که توافقات صلح اعراب و رژیم صهیونیستی باید این ویژگی‌ها را در برداشته باشد:

۱. عدم پذیرش و اعتبار اراضی اشغال شده با استفاده از نیروی نظامی توسط رژیم صهیونیستی؛

۲. لزوم پایان دادن به اشغال اراضی که از سوی رژیم صهیونیستی پس از جنگ ۱۹۶۷ اشغال شده است؛

۳. احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال هر یک از کشورهای منطقه خاورمیانه و حق این کشورها جهت سکونت در صلح و آرامش با مرزهای امن و شناخته شده؛

۴. شناسایی و توجه به حقوق مشروع مردم فلسطین در برقراری یک صلح عادلانه و پایدار. در این بیانیه کشورهای عضو جامعه اروپا مفاد کنوانسیون چهارم ژنوا بر بیت‌المقدس صادق دانسته و با استناد به قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت، اراضی اشغال شده با استفاده از نیروی نظامی را متعلق به رژیم صهیونیستی نمی‌دانستند. ارتفاعات جولان، کرانه‌های باختری و بیت‌المقدس شرقی و به طور کلی سرزمین‌های اشغال شده از سوی رژیم صهیونیستی بعد از ۱۹۶۷، شامل این موضع اروپا می‌شد. بدین ترتیب کشورهای اروپایی جهت حفظ منافع خاورمیانه‌ای و مدیترانه‌ای خود و عدم تسری بحران سعی در شناسایی حقوق طرفین داشتند.^(۴)

بعد از این اعلامیه، گفتگوهای دوره‌ای به ابتکار اروپا در خصوص مسائل خاورمیانه برگزار شد. البته هر یک از کشورهای عضو جامعه اروپا علاوه بر سیاست‌های مشترک خود در قبال تحولات خاورمیانه روابط سیاسی و اقتصادی مستقل با هریک از کشورهای خاورمیانه داشتند. به عنوان مثال انگلستان روابط خود را با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس تداوم می‌داد. فرانسه روابط ویژه خود را با عراق گسترش داده بود و در ضمن ایتالیا، آلمان غربی و بعضی دیگر از کشورهای اروپایی ارتباطات نزدیک و جدیدی را با هریک از کشورهای خاورمیانه تنظیم و برقرار کرده بودند. ولی روی هم رفته نکته‌ای که باید به خاطر داشت این است که در این زمان سیاست‌ها و فعالیت‌های اروپا در خاورمیانه به ویژه در خصوص جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی به تناسب تحت تأثیر دو عامل اصلی؛ یکی ملاحظات اقتصادی به ویژه دسترسی اروپا به منابع طبیعی از جمله نفت منطقه و بهره‌برداری از موقعیت استراتژیک این کشورها و دوم ملاحظات سیاسی به ویژه درجه و میزان درگیری امریکا در روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی و میزان فشار اعراب بوده است.^(۵)

با این وجود در طول سال‌های ۷۸-۱۹۷۷ بعد از این که شوک ناشی از بحران نفت فروکش کرد و امریکا در روند صلح "کمپ دیوید"^۱ درگیر بود، سطح فعالیت‌های دیپلماتیک اروپا در خاورمیانه کاهش یافت اما در طول سال‌های ۸۰-۱۹۷۹ زمانی که انقلاب اسلامی ایران به ثمر نشست و به دنبال آن قیمت نفت افزایش یافت و هنگامی که مرحله دوم روند صلح کمپ دیوید به بن‌بست رسید، فعالیت‌های اروپا در مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی تب و تاب و جنب و جوش تازه‌ای یافت.^(۶)

اعلامیه ونیز و دخالت مؤثر اروپا در روند صلح خاورمیانه

در سیزدهم ژوئن سال ۱۹۸۰، یک سال بعد از امضای قرارداد صلح کمپ دیوید بین رژیم صهیونیستی و مصر، جامعه اروپا با صدور "اعلامیه ونیز"^۲ موضع مشترک و آشکار خود را در قبال مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی و خواست خویش را برای دخالت مؤثر در روند صلح

1. Camp David

2. Venice Declaration

صریحاً ابراز داشت. این اعلامیه هنوز اصول اساسی سیاست مشترک اروپا در قبال روند صلح را تشکیل می‌دهد.^(۷)

در مقدمه این اعلامیه اعضای جامعه اروپا اظهار می‌دارند که روابط سنتی و علقه‌های مشترک که اروپا را به خاورمیانه مرتبط می‌سازد آنها را ترغیب می‌کند که در پی‌گیری صلح منطقه‌ای نقش ویژه‌ای را ایفا کنند. این اعلامیه تأکید می‌کند که عاقبت باید راه حل عادلانه‌ای را برای مسئله فلسطین پیدا کرد مسئله‌ای که تنها به آوارگان مربوط نمی‌شود و مردم فلسطین باید حق تعیین سرنوشت خویش را داشته باشند. از همه مهمتر این بود که کشورهای عضو جامعه اروپا خواهان وارد کردن "سازمان آزادیبخش فلسطین"^۱ در هر مذاکره‌ای برای حل و فصل اختلافات بودند. این اعلامیه همچنین تأکید می‌کرد که رژیم صهیونیستی لازم است به اشغال اراضی فلسطینی پایان دهد. براساس این اعلامیه کشورهای عضو جامعه اروپا معتقد بودند که شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی مشکل جدی را در روند صلح ایجاد کرده است و این شهرک‌سازی‌ها و نیز ایجاد تغییر در جمعیت و اموال اعراب در اراضی اشغالی مخالف حقوق بین‌الملل می‌باشد. این اعلامیه ضمن ابراز نگرانی از آینده بیت‌المقدس تصریح می‌کند که مخالف هرگونه اقدام یک جانبه‌ای برای تغییر وضعیت حقوقی بیت‌المقدس می‌باشد.^(۸)

رژیم صهیونیستی شدیداً با این اعلامیه مخالفت ورزیده و آن را تحمیلی دانست. دو روز بعد از صدور اعلامیه و نیز کابینه صهیونیستی طی بیانیه‌ای، صدور اعلامیه و نیز را خاطره تلخی در روابط اروپا و رژیم صهیونیستی خواند. اعلامیه و نیز روابط رژیم صهیونیستی با جامعه اروپا را خدشه‌دار کرد و از زمان صدور آن در سیزدهم ژوئن ۱۹۸۰ تا "کنفرانس صلح مادرید"^۲ در نوامبر سال ۱۹۹۱ رژیم صهیونیستی شدیداً مخالف نقش مؤثر و فعال اروپا در روند صلح شد. مقامات رژیم صهیونیستی بر این نظر بودند که به خاطر گرایش‌های حمایت طلبانه جامعه اروپا از فلسطینی‌ها برای آنها دشوار است که اروپائیان را به عنوان مشارکت‌کننده در روند صلح خاورمیانه قلمداد کنند.^(۹)

در سال ۱۹۸۱ با به قدرت رسیدن حزب سوسیالیست در فرانسه سیاست خارجی این

1. Palestine Liberation Organization (PLO)

2. Madrid Peace Conference

کشور در قبال خاورمیانه تغییر یافت و به دنبال آن نفوذ و نقش برجسته فرانسه در دیپلماسی جامعه اروپا در قبال خاورمیانه، سیاست کلی جامعه اروپا را تحت تأثیر قرار داد. سوسیالیست‌های فرانسه سیاست متعادل‌تر و روابط بهتر رژیم صهیونیستی و فرانسه را خواهان بودند با این وجود در عمل فرانسه از توسعه روابط اقتصادی و دیپلماتیک خود با دنیای عرب به ویژه کشورهای نفت خیز و ثروتمند خلیج فارس حمایت به عمل می‌آورد ولی روی هم رفته سیاست این کشور در قبال روند صلح خاورمیانه که در تناقض آشکار با اعلامیه ونیز و ابتکار عمل اروپا در خاورمیانه بود تأثیر شگرفی در سیاست مشترک اروپا داشته و آهنگ دیپلماسی اروپا در خاورمیانه را کند کرد.^(۱۰)

انقلاب اسلامی ایران و به دنبال آن جنگ ایران و عراق موجب دل مشغولی کشورهای خلیج فارس شده لذا دیگر این کشورها سیاست اروپا را در قبال مسأله فلسطین و صلح اعراب و رژیم صهیونیستی به طور جدی دنبال نمی‌کردند. به دنبال تهاجم ارتش صهیونیستی به لبنان در ژوئن ۱۹۸۲ وقفه‌ای در روند صلح خاورمیانه پیش آمد ولی در این زمان کشورهای اروپایی نسبت به تحولات خاورمیانه بی‌تفاوت و بیگانه نبودند. در پی تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان اتحادیه اروپا به منظور نیل به اهداف سیاسی خود به اهرم اقتصادی متوسل شد و شورای وزیران اتحادیه اروپایی موافقتنامه تجاری ۱۹۷۵ خود با رژیم صهیونیستی را به حالت تعلیق درآورد و امضای یک پروتکل مالی را به مدت یک سال به تعویق انداخت. پس از این تجاوز به ابتکار کشورهای فرانسه و مصر طرح پیش‌نویسی اعلام شد که بیان می‌داشت به حقوق قانونی مردم فلسطین از جمله حق تعیین سرنوشت احترام گذاشته شود و مجدداً بر حق موجودیت و امنیت تمامی دول منطقه بر طبق قرارداد ۲۲۲ شورای امنیت تصریح می‌کرد. ولی نهایتاً این پیش‌نویس رأی لازم را به دست نیاورد و تصویب نشد.^(۱۱)

رژیم صهیونیستی از بیانیه‌ها و اعلامیه‌های جامعه اروپا در قبال روند صلح خاورمیانه به ویژه آنهایی که پس از تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان در ژوئن ۱۹۸۲ و شروع "انتفاضه" در اواخر سال ۱۹۸۷ صادر می‌شد به شدت غضبناک بود.^(۱۲) این اعلامیه‌ها از سیاست‌های رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه انتقاد کرده و سازمان آزادی بخش فلسطین را به عنوان نماینده مردم فلسطین مورد تأیید قرار داده و خواهان این بود که مردم فلسطین حق تعیین سرنوشت

خویش را داشته باشند. رژیم صهیونیستی این بیانیه‌ها را به خاطر یک جنبه‌گرایی آن‌ها و این که اروپا فقط از رژیم صهیونیستی خواسته‌هایی را مطالبه می‌کند و خواهان اقدامات متقابل از سوی اعراب نیست، مغرضانه دانسته و محکوم می‌کرد. جای تعجب و شگفتی هم نبود که کشورهای عرب از موضع کشورهای اروپایی در قبال مسأله فلسطین ابراز رضایت و خرسندی می‌کرده و آن را وزنه متعادل کننده مهمی در برابر حمایت‌های امریکا از رژیم صهیونیستی می‌دانستند. بر این اساس کشورهای عرب مشتاق بودند تا نقش بیشتری را به جامعه اروپا جهت حل و فصل مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی اعطا کنند. (۱۳)

جامعه اروپا در بیانیه فوریه ۱۹۸۷ بروکسل و نیز بیانیه کپنهاک خواهان برپائی یک کنفرانس بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل متحد شد. مواضع و دیپلماسی جامعه اروپا در دهه ۸۰ تا حدودی در تحقق اهداف اروپا به منظور ایفای نقش بارز در حل و فصل صلح‌آمیز مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی مؤثر واقع شد ولی با این وجود در این دهه کشورهای اروپایی به‌رغم امریکا توانایی و نفوذ قطعی روی طرفین درگیر و آوردن آنها به پای میز مذاکره نداشتند. در مقابل امریکا بعد از جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی در ۱۹۷۳، به لحاظ منابع و ذخایر عظیم نفت خاورمیانه و منافع حاصل از آن، تعهدات این کشور در قبال حفظ امنیت رژیم صهیونیستی به عنوان هم‌پیمان استراتژیک خود، جلوگیری از نفوذ شوروی در میان اعراب و مقابله با کمونیسم و به دست گرفتن ابتکار عمل صلح خاورمیانه سعی در ایفای نقش محوری در مناقشات اعراب و رژیم صهیونیستی داشت.

در مارس ۱۹۸۸ پارلمان اروپا به خاطر سرکوب انتفاضه توسط رژیم صهیونیستی و ممانعت رژیم صهیونیستی از صادرات کالاهای فلسطینی، تصویب سه موافقتنامه تجاری و اقتصادی را با رژیم صهیونیستی به تعویق انداخت. (۱۴)

دهه ۹۰ و تلاش مجامع بین‌المللی در روند صلح خاورمیانه

برخی تحولات منطقه‌ای مانند شکل‌گیری انتفاضه و تحولات بین‌المللی مانند فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد فصل جدیدی را در روند مذاکرات صلح گشود. مسأله فلسطین و اشغال اراضی این سرزمین توسط رژیم صهیونیستی و حوادث مربوط به آن و

آزادسازی بیت‌المقدس همچنان در صدر مسائل جهان اسلام و مسلمانان قرار گرفته و تلاش‌های گسترده‌ای از سوی مجامع بین‌المللی، رهبران کشورها و سازمان ملل متحد به منظور حل و فصل منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی صورت گرفت. این تلاش‌ها در قالب طرح‌ها، کنفرانس‌ها و قطعنامه‌های صلح متجلی می‌شد. در این میان نقش آفرینی اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل به عنوان یک قدرت اقتصادی نیرومند با ارزش‌ها و منافع مشترک، لزوم شکل دادن به رخدادهای منطقه‌ای به ویژه رویدادهای خاورمیانه که تبدیل به یکی از بحرانی‌ترین مناطق جهان شده بود را بیش از پیش برای اروپائیان آشکار می‌ساخت.

با پایان جنگ سرد در تابستان ۱۹۹۱، تلاش‌های بین‌المللی جهت از سرگیری روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی افزایش یافت. مذاکرات صلح خاورمیانه در سی‌ام اکتبر ۱۹۹۱ در قصر مادرید در شهر مادرید اسپانیا با سخنان جورج بوش رئیس جمهوری وقت امریکا در جمع کشورهای مختلف عربی و اروپائی آغاز شد و در یازده دوره به صورت چندجانبه و دوجانبه ادامه یافت. در کنفرانس صلح مادرید رژیم صهیونیستی حاضر نشد با هیأت فلسطینی از طرف سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) به طور مستقل وارد مذاکره شود و صرفاً در قالب هیأت مشترک اردنی - فلسطینی حاضر به انجام مذاکره شد. در این کنفرانس جامعه اروپا به عنوان ناظر در کاخ سلطنتی اسپانیا در مادرید شرکت کرد. در مقابل امریکا هر گونه تلاش بین‌المللی را جهت رفع مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی بلوکه کرده و ابتکار عمل را به دست گرفت و لذا جامعه اروپا نقش کمی را در جریان مذاکرات ایفا کرد. در حقیقت امریکا به رغم این حقیقت که قدرت اتحاد جماهیر شوروی رو به افول و این کشور در آستانه فروپاشی قرار داشت ولی با این وجود در پیشبرد مذاکرات بیشتر به مسکو توجه داشت. جامعه اروپا هیچ سهمی در مذاکرات دوجانبه نداشت و فقط برای شرکت در گفتگوهای چندجانبه دعوت شده بود البته کشورهای اروپایی از این نظر احساس رضایت می‌کردند که سیاستی که آنها از ۱۹۸۰ اتخاذ کرده و خواهان حضور سازمان آزادی‌بخش فلسطین در هر مذاکره‌ای بودند از سوی رژیم صهیونیستی پذیرفته شده است. به هر حال اعلامیه و نیز و استراتژی‌هایی که به دنبال آن به وسیله جامعه اروپا اتخاذ شد تأثیر کمی بر روند صلح اعراب و اسرائیل داشت. تا قبل از امضای "توافقات اسلو"^۱، از نظر رژیم

1. Oslo Accords.

صهیونیستی، جامعه اروپا در خاورمیانه بیشتر مشکل ایجاد می‌کرد تا این که مناقشه‌ای را حل کند. (۱۵)

اروپا و گفتگوهای چندجانبه اعراب و رژیم صهیونیستی

اتحادیه اروپا هیچ نقشی در مذاکرات دو جانبه در کنفرانس صلح مادرید نداشت و فقط در چارچوب گفتگوهای چندجانبه گروه‌های کاری عمل می‌نمود. گفتگوهای چندجانبه که به وسیله کنفرانس مادرید ترتیب یافته بود شامل پنج گروه کاری کنترل تسلیحات و امنیت منطقه، محیط زیست، آب، پناهندگان و توسعه اقتصادی منطقه‌ای می‌شد. گفتگوهای دو جانبه بر مسائل سیاسی از جمله کنترل و حاکمیت ارضی، تعیین حدود مرزی، ترتیبات امنیتی و حقوق سیاسی فلسطینیان تمرکز داشت در حالیکه گفتگوهای چندجانبه بر مسائل اقتصادی، اجتماعی و محیطی تأکید داشته و زمینه‌ساز توسعه و صلح منطقه‌ای در خاورمیانه بود. این گفتگوها صرفاً شبکه‌ای گسترده از وابستگی متقابل تکنیکی، اقتصادی و رفاهی ایجاد نمی‌کرد بلکه زمینه‌های کنار گذاشتن رقابت‌های ایدئولوژیکی و سیاسی را فراهم می‌آورد. اتحادیه اروپا مسؤولیت اداره "گروه کاری توسعه اقتصادی منطقه‌ای"^۱ - بزرگ‌ترین گروه کاری - را بر عهده داشت. (۱۶)

دور اول گروه کاری توسعه اقتصادی منطقه‌ای در بروکسل (مه ۱۹۹۲)، پاریس (اکتبر ۱۹۹۲) و رم (مه ۱۹۹۳) برگزار شد. هر چند تمرکز اصلی این گروه کاری تقویت همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای بود ولی در عین حال نیازهای اقتصادی فلسطینی‌ها را هم مد نظر قرار می‌داد. در اجلاس پاریس در اکتبر سال ۱۹۹۲ بانک جهانی به ابتکار کمیسیون اروپا خواهان گزارشی از وضعیت اقتصادی اراضی اشغالی شد. این گزارش زمینه‌ساز کمک مالی ۲/۴ میلیارد دلاری به فلسطینی‌ها شد. پیشرفت در مذاکرات دو جانبه نه تنها باعث ارتقای کیفیت مذاکرات چندجانبه می‌شد بلکه راه را برای نقش بیشتر اتحادیه اروپا در روند صلح خاورمیانه و شکل دادن به نظم اقتصادی جدید منطقه باز می‌کرد. (۱۷)

جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و تغییر و تحولات ناشی از آن در منطقه خاورمیانه در سوق دادن سازمان آزادیبخش فلسطین به سوی آغاز مذاکرات محرمانه بارژیم صهیونیستی و

اعلام قرارداد اسلو در ۵ سپتامبر ۱۹۹۳ نقش مهمی داشت. رژیم صهیونیستی و ساف در سپتامبر ۱۹۹۳ اعلامیه اصولی اسلو را در واشنگتن امضاء کردند. در توافقات حاصله طی مذاکرات اسلو دو طرف متعهد شدند تا تاریخ چهارم مه سال ۱۹۹۹ به رفع اختلافات بپردازند.

اتحادیه اروپا با امضای قراردادهای اسلو و استفاده از اهرم‌های اقتصادی سعی در تقویت جای پای خود در مسائل منطقه داشت. با انعقاد قراردادهای اسلو روابط سیاسی رژیم صهیونیستی و اتحادیه اروپایی رو به گرمی گرایید که البته بهبود روابط بواسطه در رأس بودن حزب کارگر رژیم صهیونیستی در سال‌های ۹۶-۱۹۹۲ هم بود. دور چهارم گفتگوهای گروه کاری توسعه اقتصادی منطقه‌ای مدت کمی پس از امضای اعلامیه اصولی اسلو در کنه‌اک برگزار شد. اتحادیه اروپا نه تنها خواهان آسایش و رفاه فلسطینی‌ها بود بلکه کمک‌های اقتصادی همه جانبه‌ای از فلسطینی‌ها به عمل می‌آورد. در آستانه امضای اعلامیه اصولی اسلو اتحادیه اروپا اعلام کرد که بودجه‌ای معادل ۳۵ میلیون "اکو"^۱ به ساف جهت کمک‌های فوری به فلسطینی‌ها اعطاء خواهد کرد. همچنین در اکتبر ۱۹۹۳ کشورهای عضو اتحادیه اروپا متعهد شدند که ۵۰۰ میلیون اکو ظرف ۵ سال جهت ساماندهی و توسعه اقتصادی فلسطینی‌ها اختصاص دهند.^(۱۸)

گفتگوهای چندجانبه اعراب و رژیم صهیونیستی تنها موردی نبود که طی آن اروپا سعی داشت روابط جدید منطقه‌ای را شکل دهد. در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۹۵ کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ۱۲ کشور مدیترانه‌ای (الجزایر، قبرس، مصر، رژیم صهیونیستی، اردن، لبنان، مالت، مراکش، سوریه، تونس، ترکیه، سواحل غربی نوار غزه) در نشست بارسلون تمایل خود به استحکام روابط را اعلام و به همکاری باثباتی که به صلح و ثبات منطقه منجر شود، تأکید کردند و اساس آن را پیشرفت اقتصادی، گفتگو و تفاهم دانستند. اعلامیه بارسلون همکاری سیاسی و امنیتی جهت ایجاد منطقه‌ای با صلح و ثبات، همکاری اقتصادی و مالی جهت ایجاد منطقه مشترک اقتصادی و همکاری اجتماعی و فرهنگی را دربرداشت. شورای اروپا در سال ۱۹۹۵ بودجه‌ای معادل ۴۶۸۵ میلیون اکو برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای اختصاص داد و بدین ترتیب نشست بارسلون، سوریه و لبنان را با رژیم صهیونیستی بر سر یک میز قرار داد.^(۱۹)

1. ECU (European Currency Unit)

اروپا و حضور در تحولات سیاسی خاورمیانه

در اوایل دهه نود میلادی اروپا به واسطهٔ مدیترانه‌ای بودن برخی کشورهای خاورمیانه و اهمیتی که برای طرح‌های مدیترانه‌یی خود قائل بود، شکوفایی اقتصادی و روابط با کشورهای خاورمیانه را به ویژه در زمینه اقتصادی در صدر اولویت‌های خود قرار داده بود ولی به موازات آن نقش اتحادیه اروپا در روند صلح خاورمیانه در حاشیه قرار گرفته و کشورهای اروپایی از تحولات سیاسی منطقه فاصله گرفته بودند. اسرائیل و آمریکا هم اشتیاقی به نقش فعال اروپا و حضور سیاسی اروپا در بحران خاورمیانه نداشتند و تلاش داشتند تا اقدامات اتحادیه را در روند صلح خاورمیانه متوقف کنند. ولی در مقابل کشورهای عربی به خاطر روابط سستی و خوب خود با اتحادیه اروپا خواهان استفاده از برگهٔ اتحادیه اروپا در مقابل آمریکا و اسرائیل بودند. بعد از این که "ژاک شیراک"^۱ در ۱۷ مه ۱۹۹۵ قدرت را در فرانسه به دست گرفت تلاش فراوانی جهت ایفای نقش جدی، فعال و در عین حال مستقل اتحادیه اروپا در خاورمیانه کرد. او بر این نظر بود که اروپا علاوه بر کمک‌های اقتصادی به خاورمیانه باید حرف‌های سیاسی بیشتری برای گفتن داشته باشد. در کنفرانس ضد تروریستی شرم‌الشیخ که در مارس ۱۹۹۶ برگزار شد او بر نقش سوریه و لبنان در پیشبرد روند صلح تأکید کرد.^(۲۰)

با برگزاری انتخابات در ۲۹ مه ۱۹۹۶ و روی کار آمدن دولت راست‌گرای نتانیاهو روابط اسرائیل و اتحادیه اروپایی به سردی گرائید و اتخاذ سیاست‌های "نتانیاهو"^۲ منجر به بن‌بست در فرایند صلح اعراب و اسرائیل شد. در این زمان کشورهای اروپایی در تلاش بودند در کنار استفاده از اهرم اقتصادی و تحت فشار قرار دادن اسرائیل، اعلامیه‌هایی را صادر و طرفین درگیر را به صلح ترغیب کنند. شورای اروپایی در ۲۱ و ۲۲ ژوئن ۱۹۹۶ در فلورانس طی بیانیه‌ای برقراری صلحی پایدار در منطقه خاورمیانه را از علایق و اهداف اتحادیه اروپا برشمرد و روند صلح را تنها راه امنیت و صلح برای اسرائیل، فلسطین و کشورهای همسایه دانست. در این بیانیه اتحادیه اروپا از طرف‌های درگیر می‌خواست تا به قراردادهای مادرید و اسلو پایبند باشند.

در اول اکتبر سال ۱۹۹۶ میلادی شورای وزیران طی بیانیه‌ای نگرانی عمیق اتحادیه اروپا

1. Jacques Chirac

2. Netan Yahu

را در خصوص شورش در غزه و نوار غربی اعلام کرده و دولت اسرائیل را مسؤول توقف در روند صلح اعراب و اسرائیل و ایجاد خشونت و درگیری در منطقه دانست. این بیانیه از طرف‌های درگیری خواست تا مجدداً بر سر میز مذاکره گرد آیند. همچنین شورای وزیران بر علاقه و منافع اتحادیه جهت ایفای نقش فعال در آغاز گفتگوها و مشارکت بیشتر تأکید کرد. این بیانیه هم‌زمان با اقدامات دیپلماتیک رهبران اروپایی بود. در اواخر اکتبر ۱۹۹۶ شیراک رئیس جمهور فرانسه طی سفری به سوریه، اسرائیل، غزه و کرانه باختری، مصر، اردن و لبنان بر تداوم نقش اتحادیه اروپا در روند صلح تأکید ورزید. او همچنین طی این سفر تصریح کرد که برقراری صلح پایدار و واقعی فقط با ایجاد دولت فلسطینی به دست می‌آید. او همچنین بر عقب‌نشینی کامل اسرائیل از "بلندی‌های جولان"^۱ و لبنان تأکید کرده و معتقد بود که اتحادیه اروپا می‌تواند در امر نظارت بر روند صلح خاورمیانه همگام با امریکا و روسیه نقش مؤثری داشته باشد و اتحادیه نمی‌تواند بپذیرد که فقط نخستین شریک تجاری منطقه باشد. سخنان شیراک به گرمی از سوی فلسطینی‌ها و دنیای عرب مورد استقبال قرار گرفت. سفر شیراک مورد رضایت خاطر اسرائیل نبود و حتی در اروپا این نظر وجود داشت که وی فقط منافع فرانسه را در خاورمیانه خارج از سیاست‌های مشترک اتحادیه اروپا پیش برده است.^(۲۱)

متعاقباً وزیر امور خارجه انگلیس "ریفکیند"^۲ طی سفری به خاورمیانه اظهار داشت که شهرک‌سازی اسرائیل در غزه و کرانه غربی غیرقانونی بوده و توسعه آن مانعی جدی برای صلح در خاورمیانه می‌باشد. او همچنین خواهان اجرای ابتکار عمل انگلیس در خصوص ایجاد یک چارچوب امنیتی منطقه‌ای جدید در خاورمیانه شبیه "سازمان همکاری و امنیت در اروپا"^۳ شد.

نگرانی بیشتر اروپا در خصوص وضعیت سیاسی خاورمیانه و بروز موانعی جدی بر سر راه صلح خاورمیانه در پی انتخاب نتانیاهو به عنوان نخست وزیر اسرائیل نمایان شد. وزیر امور خارجه ایرلند "اسپرینگ"^۴، به عنوان رئیس اتحادیه اروپا در جلسه افتتاحیه کنفرانس اقتصادی خاورمیانه و آفریقای شمالی در مصر در اواسط نوامبر ۱۹۹۶ طی سخنانی تأکید کرد که اروپا

1. Golan Heights

2. Rifkind

3. Organization of Cooperation and Security in Europe (OCSE)

4. Spring

دوست منطقه در تحت هر شرایطی است و اتحادیه اروپا متعهد به تسریع روند صلحی پایدار و باثبات در منطقه مبتنی بر اصل زمین در برابر صلح می‌باشد. (۲۲)

علاقه و جدیت اتحادیه اروپا جهت ایفای نقش بارز در روند صلح خاورمیانه زمانی بیشتر عینیت یافت که به رغم این مسأله که اتحادیه اروپا نزدیک به ۸۵ درصد از هزینه‌های اقتصادی فلسطین را تأمین می‌کرد ولی با این وجود هیچ نماینده‌ای از اتحادیه اروپا در اجلاس اضطراری واشنگتن (که به وسیله بیل کلینتون متعاقب شورش و بحران سپتامبر ۱۹۹۶ ترتیب یافته بود) دعوت نشد.

در اجلاس ویژه شورای اروپایی در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۶ رهبران اروپا به این نتیجه رسیدند که بیش از این نمی‌توانند نظاره‌گر تحولات جدید در خاورمیانه باشند و لذا تصمیم گرفتند که فرستاده ویژه اروپایی در روند صلح خاورمیانه تعیین کنند. در اجلاس لوکزامبورگ در اواخر اکتبر ۱۹۹۶ وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا طی موضعی مشترک و در چارچوب "سیاست خارجی و امنیتی مشترک" ^۱ "موراتینوس" ^۲ سفیر اسپانیا در اسرائیل را به عنوان فرستاده ویژه اروپا در روند صلح خاورمیانه تعیین کردند. این تصمیم حاکی از این بود که اروپا در پی آن بود تا روحی تازه در کالبد نیمه جان روند به اصطلاح صلح خاورمیانه بدمد و به این ترتیب تاثیرگذاری بیشتری در فرایند تحولات خاورمیانه داشته باشد. در مقابل اسرائیل نسبت به صدور اعلامیه اکتبر ۱۹۹۶ و همچنین تعیین فرستاده ویژه شدیداً اعتراض کرده و آن را حاکی از دخالت اروپا در روند صلح و حمایت از اعراب و در عین حال فشار بر اسرائیل قلمداد کرد. (۲۳)

اتحادیه اروپا همزمان علاوه بر جبهه سیاسی سعی در افزایش حضور خود در عرصه اقتصادی داشت. این اتحادیه ۲۴ میلیون دلار کمک لجستیکی به فلسطین کرده و مسئولیت نظارت بر انتخابات مجلس جدید قانونگذاری فلسطین که در اوایل ژانویه ۱۹۹۶ برگزار شد را داشت. اتحادیه اروپا همچنین کمک‌های خود به فلسطین را ادامه داده و در ظرف ۱۰ سال (گذشته) ۶۷۹ میلیون اکو برای سازمان آزادیبخش فلسطین هزینه کرد. کمیسیون اروپا جهت رشد و توسعه اقتصادی فلسطین در ۱۱ دسامبر ۱۹۹۶ موافقتنامه مقدماتی تجاری و همکاری

1. Common Foreign and Security Policy (CFSP)

2. Moratinos

اروپا و مدیترانه را با فلسطین امضا کرد که طی آن همکاری تجاری و اقتصادی و کمک به صنایع فلسطین مد نظر قرار می‌گرفت. (۲۴)

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که اتحادیه اروپا ضمن حفظ علقه‌های اقتصادی و سیاسی خود با اعراب در عین حال از تجارت و روابط اقتصادی با اسرائیل غافل نبوده است و در روابط خود با اسرائیل جایگاه اقتصادی ویژه‌ای را به اسرائیل اعطا نموده است به طوری که علاوه بر تجدید موافقتنامه تجاری میان اسرائیل و اروپا که در ۱۹۷۵ منعقد شده بود، این کشور در چهارمین برنامه تحقیقات و توسعه به عضویت کامل پذیرفته شد که مفهوم آن این بود که کمپانی‌های اسرائیلی حق شرکت در طرح‌های پژوهشی و تحقیقاتی اتحادیه اروپا را داشتند. همچنین اسرائیل و اتحادیه اروپا در مارس ۱۹۹۶ موافقتنامه همکاری فن‌آوری و عملی امضا کردند. به این ترتیب اتحادیه اروپا همزمان اهداف اقتصادی و سیاسی خود را هم با کشورهای عرب و هم با اسرائیل دنبال می‌کرد ولی با این وجود روابط اقتصادی اسرائیل و اتحادیه متأثر از تحولات سیاسی حاکم بر منطقه بود. به طوریکه در دسامبر ۱۹۹۷ شورای وزیران اتحادیه اروپا طی صدور بیانیه‌ی لوکزامبورگ خواهان پایبندی اسرائیل به تعهدات خود در قبال موافقتنامه‌های اسلو شد و ادامه‌ی شهرک‌سازی در اراضی اشغالی را مخل روند صلح دانست. (۲۵)

در ژانویه ۱۹۹۸ کمیسیون اروپا گزارش مفصلی در خصوص نقش اتحادیه اروپا در فرآیند صلح خاورمیانه تهیه کرده و تداوم روند صلح را متوجه اسرائیل نمود. در مارس ۱۹۹۸ رابین کوک، وزیر امور خارجه وقت انگلستان که کشورش ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را برعهده داشت اظهار کرد که اسرائیل باید براساس حقوق بین‌الملل از اراضی اشغالی کرانه باختری و غزه، جنوب لبنان و ارتفاعات جولان عقب‌نشینی کند. همچنین طی نشست "مایورکا" در آوریل ۱۹۹۸ وزرای یازده کشور اروپایی و مدیترانه‌ای طی بیانیه‌ای خواهان احترام به اصل زمین در برابر صلح و حق فلسطینی‌ها برای تعیین سرنوشت خود و ایجاد کشور فلسطین شدند و اقدامات اسرائیل را ناقض فرآیند صلح قلمداد کردند. در این بیانیه از اسرائیل خواسته شده بود تا موافقتنامه‌های اسلو، قاهره و الخلیل (۱۵ ژانویه ۱۹۹۷) کاملاً اجرا شده و رعایت گردد.

کمیسیون اروپا به رغم پیوندهای اقتصادی اتحادیه با اسرائیل در ماه مه ۱۹۹۸ از اتحادیه اروپا درخواست کرد تا کالاهای اسرائیلی که تولید آنها در کرانه‌های باختری، نوار غزه، ارتفاعات

جولان و بیت المقدس شرقی است، شامل امتیازهای داده شده به کالاهای اسرائیل نشود. متعاقب امضای یادداشت تفاهم وای ریور در ۱۲۳ اکتبر ۱۹۹۸ در محل کاخ سفید و به علت عدم اجرای آن، اتحادیه اروپا در ۲۵ ژانویه ۱۹۹۸ با انتشار اعلامیه‌ای تعلیق اجرای قرارداد مذکور از سوی اسرائیل را محکوم کرد.^(۲۶)

سران اروپا در نشست خود در برلین در سال ۱۹۹۹ طی بیانیه‌ای پشتیبانی خود را از گفتگوهای منکی بر اصل زمین در برابر صلح اعلام داشت. اتحادیه اروپا در این بیانیه طرف‌ها را به تأکید مجدد به التزام نسبت به مبادی و اصول اساسی در چارچوب اجلاس مادرید و توافق اسلو و توافقات بعدی آن و نیز قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل فراخواند و مجدداً بر حق دائمی و غیرمشروط فلسطینی‌ها در تعیین سرنوشت و انتخاب دولت تصریح کرد. اتحادیه در این بیانیه اظهار داشت که برپایی یک دولت صلح‌جو و دموکراتیک فلسطینی بهترین ضمانت برای امنیت اسرائیل است و اتحادیه آماده بررسی شناسایی دولت فلسطین می‌باشد.

در تاریخ چهارم سپتامبر ۱۹۹۹ قرارداد شرم‌الشیخ اول در منطقه شرم‌الشیخ مصر امضا شد که بر قراردادهای قبلی به ویژه تفاهم نامه وای ریور تأکید می‌کرد. وزرای امور خارجه اتحادیه در جریان نشست خود در بروکسل از امضای یادداشت شرم‌الشیخ استقبال کرده و با یادآوری حضور موراتینوس فرستاده ویژه ریاست اتحادیه در شرم‌الشیخ، آمادگی اتحادیه را برای مشارکت در اجرای توافق و در صورت تمایل طرفین برای مشارکت در موضوعات مرتبط با مذاکرات وضعیت نهایی اعلام داشت.^(۲۷)

اتحادیه اروپا در دوره ریاست فرانسه (ژوئیه تا دسامبر ۲۰۰۰) توجه بیشتری به وضعیت خاورمیانه داشت به طوری که بیانیه و اظهارات انجام شده موجب نارضایتی اسرائیل می‌شد. و درین وزیر خارجه فرانسه در آستانه آغاز دوره ریاست فرانسه طی سخنانی تأکید کرد فرانسه و اروپا یک تعهد جدی در روند صلح خاورمیانه دارند. در خلال ریاست فرانسه چندین بار بیانیه‌هایی درباره خاورمیانه از سوی اتحادیه اروپا صادر شد و در جریان اجلاس سران اتحادیه اروپایی در نیس^۱ فرانسه، کشورهای عضو از طرفین خواستند که برای اجرای توافقنامه‌های شرم‌الشیخ و خاتمه دادن به درگیری‌ها سریعاً اقدام کنند.^(۲۸)

1. Nice

در ماه مارس ۲۰۰۱ میلادی و چند روز پس از انتخاب رسمی آریل شارون به نخست‌وزیری اسرائیل خانم آنالیند رئیس شورای اتحادیه اروپا به همراه کریس پتن^۱، کمیسیونر روابط خارجی و میگوئیل موراتینوس فرستاده ویژه اروپا سفر خاورمیانه‌ای خود را آغاز کردند. نامبردگان در غزه با یاسر عرفات و با شارون و شیمون پرز وزیر خارجه اسرائیل در اورشلیم (بیت‌المقدس) مذاکره کردند. محور اصلی مذاکرات شامل قطع فوری اعمال خشونت و درگیری‌ها و توقف تحریم‌های اقتصادی و مالی اسرائیل علیه مناطق فلسطین بود. اتحادیه اروپا موافقت کرد تا مبلغ ۶۰ میلیون یورو به منظور جبران خسارات ناشی از تعلیق پرداخت‌های اسرائیل، به مقامات فلسطینی پرداخت کند و از جامعه بین‌المللی به ویژه اتحاد عرب خواست تا از کمک مالی به فلسطینی‌ها دریغ ننماید.

ریاست سوئدی اتحادیه اروپا در آوریل ۲۰۰۱ از طرف اتحادیه اروپایی بیانیه‌ای را صادر و در آن از طرفین خواست از هرگونه اقدام یک جانبه که می‌تواند خشونت بیشتر ایجاد کند پرهیز کنند و همکاری امنیتی خود را ادامه و تشدید کنند. اتحادیه همچنین از افزایش خشونت‌های اخیر در منطقه و از دست رفتن زندگی روزانه در بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها اظهار تأسف کرد.^(۲۹) وزیرای اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در یازدهمین نشست مشترک در ۲۳ آوریل ۲۰۰۱ طی بیانیه مشترکی نیاز برای برقراری یک صلح جامع، بادوام و عادلانه در منطقه خاورمیانه براساس قطعنامه‌های شورای اخیر سازمان ملل از جمله قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ و اصول موافقت نامه مادرید و به طور قابل ملاحظه اصل زمین در برابر صلح را مورد تأکید مجدد قرار دادند. شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا از هر دو طرف درگیر خواستند تا کلیه اقدامات لازم برای پایان دادن به خشونت و بازگشت آرامش به منطقه از جمله رفع محاصره مناطق تحت اشغال فلسطینی را به عمل آورند. شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا از هر دو طرف درگیر در رابطه با تفاهم نامه اکتبر ۲۰۰۰ شرم‌الشیخ خواستند مذاکرات مربوطه در چارچوب فزاینده صلح خاورمیانه را به عمل آورند. اتحادیه و شورا که کمک کنندگان اصلی به فلسطینی‌ها می‌باشند لزوم کمک‌های بیشتر به منظور جلوگیری از سقوط مؤسسات اقتصادی در مناطق فلسطینی را یادآور شدند و براهمیت حضور سوریه و لبنان برای برقراری صلح جامع در

1. Chris Patten

خاورمیانه تاکید نمودند. (۳۰)

نتیجه گیری

منطقه خاورمیانه همواره مورد توجه کشورهای اروپایی بوده و یکی از اولویت‌های مهم اتحادیه اروپا می‌باشد. روابط با کشورهای خاورمیانه به واسطه نفت و بازار اقتصادی دول عربی منطقه برای اتحادیه اروپا حایز اهمیت است. اتحادیه اروپا قصد دارد که تا سال ۲۰۱۰ میلادی یک منطقه اقتصادی موسوم به منطقه اقتصادی مدیترانه‌ای - اروپایی ایجاد کند لذا شکوفایی اقتصادی کشورهای مدیترانه‌ای خاورمیانه مورد توجه جدی اتحادیه اروپا است و امری واضح می‌باشد که کشورهای عضو اتحادیه اروپا جهت تحقق اهداف اقتصادی خود به دنبال صلح و ثبات در خاورمیانه هستند. از طرفی سواحل جنوبی و شرقی مدیترانه و نیز خاورمیانه، نقش مهم و مؤثری در ثبات و امنیت اتحادیه اروپایی دارند.

فروپاشی شوروی و پایان نظام دوقطبی و همچنین شکل‌گیری انتفاضه مردم فلسطین باعث شد تا خاورمیانه بار دیگر کانون توجه جهانیان قرار گرفته و مجامع بین‌المللی و رهبران کشورها گام‌هایی اساسی جهت حل و فصل منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی بردارند. در این میان اتحادیه اروپا به واسطه مجاورت با کشورهای خاورمیانه و منافع حیاتی خود در صدد برآمد تا نقش و سهم قابل توجه در روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی داشته باشد. اتحادیه اروپا (جامعه اروپا) طی سالیان گذشته موضع مشترک و آشکار خود را در قبال مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی و خواست خود جهت دخالت مؤثر در روند صلح را صریحاً طی صدور اعلامیه‌هایی اعلام داشته است که مهم‌ترین آن صدور اعلامیه نیز در ژوئن سال ۱۹۸۰ می‌باشد. با این وجود اتحادیه اروپا به رغم صدور اعلامیه‌های مشترک، تا بعد از موافقتنامه‌های اسلو در سال ۱۹۹۳ و گفتگوهای چندجانبه کاری هیچ نقش عملی و واقعی در روند صلح خاورمیانه نداشته است. این اتحادیه با امضای موافقتنامه‌های اسلو و استفاده از اهرم اقتصادی سعی داشته تا جای پای خود را در مسایل خاورمیانه محکم کند.

اتحادیه اروپا در نشست بارسلون در سال ۱۹۹۵ که اسرائیل و دولت خودگردان فلسطین در آن شرکت داشتند و با صدور اعلامیه بارسلون، کشورهای مدیترانه را به یکدیگر نزدیک و

نقش مثبتی در روند صلح ایفا نموده است. این اتحادیه همچنین در سال ۱۹۹۶ در اقدامی مشترک و در چارچوب سیاست خارجی و امنیتی مشترک ناظرانی را برای انتخابات فلسطین به منطقه خاورمیانه فرستاد.

کشورهای عضو اتحادیه اروپا به رغم برخی از اختلافات و نقطه نظرات متفاوت، دارای اصول و سیاست‌های مشترکی در قبال روند صلح خاورمیانه بوده‌اند. اختلافات عمده این کشورها مربوط به نوع و چگونگی رسیدن به سیاست‌ها و اهداف اتحادیه بوده است به عنوان مثال کشورهای نظیر فرانسه خواهان نقش فعال و ابتکار عمل‌های دیپلماتیک مؤثر در روند صلح هستند در حالیکه کشورهای نظیر اسپانیا و انگلستان تمایل دارند کمتر خود را در تحولات منطقه درگیر کنند. با این وجود اختلاف سلیقه‌ها مانع اتخاذ سیاست‌های مشترک اتحادیه اروپا نشده است به طوری که کشورهای عضو اتحادیه اروپا در اقدامی مشترک موراتینوس سفیر اسپانیا در اسرائیل را به عنوان فرستاده ویژه اروپا در روند صلح خاورمیانه انتخاب کردند و از حامیان و کمک کنندگان اصلی رژیم خودگردان فلسطین در مقابله با فعالیت‌های تروریستی بوده‌اند.

اتحادیه اروپا در بیانیه‌های مشترک خود در قبال تحولات سیاسی خاورمیانه همواره خواهان حق تعیین سرنوشت برای فلسطینی‌ها و حق تشکیل یک کشور مستقل، رفع محاصره اقتصادی سرزمین‌های اشغالی، از سرگیری انتقال پول به دولت خودگردان، توقف شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی و عقب‌نشینی کامل اسرائیل از اراضی اشغال شده پس از ۱۹۶۷ بوده است. هدف اصلی این اتحادیه بازگرداندن دو طرف درگیر به میز مذاکرات و از سرگیری گفتگوها برای خاتمه دادن به درگیری‌ها بوده است. اتحادیه اروپا علاوه بر صدور اعلامیه‌های مشترک که ناخشنودی اسرائیل را هم به همراه داشته است، اقدامات متعددی را برای ارائه کمک‌های اقتصادی و فنی به دولت خودگردان برای برقراری ثبات سیاسی و اجتماعی در فلسطین به عمل آورده و برای برگزاری کنفرانس متشکل از کشورهای کمک‌کننده تلاش کرده است. در این راستا مقامات رسمی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و حتی مسؤولان اتحادیه سفرهایی را به منطقه خاورمیانه به منظور نزدیک کردن نظریات طرفین درگیر و تشویق آنها به صلح و ثبات به عمل آورده‌اند.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که اتحادیه اروپا همزمان مراودات تجاری عمده‌ای با اسرائیل داشته به طوری که در حال حاضر این اتحادیه بزرگ‌ترین شریک تجاری اسرائیل محسوب می‌شود. به عبارت دیگر در این خصوص اتحادیه اروپا سیاست یک بام و دو هوا را در پیش گرفته و در حالی که از کمک کنندگان اقتصادی به فلسطین است در عین حال از روابط اقتصادی و دیپلماتیک کامل با اسرائیل برخوردار می‌باشد. لذا هدف واقعی اتحادیه اروپا در خاورمیانه دستیابی سهل الوصول و بی‌دغدغه به نفت، تبدیل این منطقه از جهان به بازار فروش تولیدات صنعتی و غیرصنعتی و اجرای طرح‌های اقتصادی در خاورمیانه می‌باشد و این امر میسر نیست مگر اینکه ثبات و آرامش کامل در خاورمیانه حکم فرما باشد. به این ترتیب مقصود همان اهداف اقتصادی و در پشت آن نیت سیاسی است و فراخواندن طرفین درگیر به میز مذاکره و طرفداری از حقوق مردم مظلوم فلسطین بهانه و ابزاری است جهت وصول به ثباتی که نهایتاً زمینه‌های تحقق کامل اهداف اقتصادی و سیاسی اتحادیه اروپا در خاورمیانه را فراهم خواهد کرد.



یادداشت‌ها

1. Robert E. Hunter, "Western Europe and the Middle East Since the Iran- Contra Affairs", in *The Middle East from the Iran- Contra Affair to the Intifada*, Robert O. Freedman, (Ed.), (New York: Syracuse University Press, 1991). p. 94

۲. برای اطلاع بیشتر از همکاری سیاسی اروپا مراجعه کنید به:

Simon Nuttall, *European Political Cooperation* (Oxford: Clarendon Press, 1992).

همچنین نگاه کنید به: شهرام فرسانی، ابعاد دفاعی و امنیتی اتحاد اروپایی: نقش امریکا و آینده ناتو، مجله دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، ماهنامه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال چهاردهم، شماره ۱۴۳، آذرماه ۱۳۷۹، ص. ۱۴.

3. Robert E. Hunter, "Western Europe and the Middle East since the Lebanon War", *The Middle East After the Israeli Invasion of Lebanon*, Robert O. Freedman, (Ed.), (New York: Syracuse University Press, 1986). pp. 95-106.

4. *Ibid.*, p. 96.

۵. جهت اطلاع بیشتر از سیاست‌های اتحادیه اروپا و امریکا در خاورمیانه ر.ک:

Phebe Marr, "The United States, Europe and the Middle East: an uneasy triangle", *The Middle East Journal*, Vol. 48, Spring 1994, p. 211.

۶. کمپ دیوید در هفتاد مابلی واشنگتن قرار دارد و مکانی است که سادات و بگین تحت نظارت کارتر قرارداد صلحی را امضا کردند.

7. Joel Peters, "Europe and The Middle East Peace Process: Emerging from the sideline" in *The Foreign Policies in the European Union's Mediterranean States and Applicant Countries in the 1990's*, Stelios Stavridis, Theodore Couloumbis, Thanos Veremis and Neville Waites, (Eds.) (London: MacMillan Press LTD, 1999). p. 298.

۸. برای مطالعه بیشتر در مورد اعلامیه و نیز رجوع کنید به:

Robert E. Hunter, "Western Europe and the Middle East since the Lebanon War", *op. cit.*, p. 111.

9. Peters, *op. cit.*, p. 299.

10. Hunter, *op. cit.*, p. 98.

11. Roberto Aliboni, "Change and Continuity in Western Policies Towards the Middle East", in *The Middle East in Global Change*, (ed.) Laura Guazzone, (U.K.: MACMILLAN Press LTD, 1997). p. 216.

۱۲. انتفاضه از نظر لغوی یعنی جنبش، لرزش و حرکتی که همراه با نیرو و سرعت باشد و از نظر سیاسی و اجتماعی عبارت از رفتار و عملکرد معترضان و شجاعانه مردم مظلوم و غیرمسلح فلسطین در قبال رژیم اشغالگر قدس می باشد. این قیام در دو مرحله در سال های ۱۹۸۷ و ۲۰۰۰ به وقوع پیوسته است.

13. Peters, *op. cit.*, p. 300.

14. Stelios Stavridis and Justin Hutchence, "Mediterranean Challenges to the EU's Foreign Policy", *European Foreign Affairs Review*, Vol. 5, (Spring 2000), p. 50.

15. David Makovsky, "Middle East peace Through Partition", *Foreign Affairs*, March/April 2001, pp. 29-35.

۱۶. جهت اطلاع بیشتر در مورد پنج گروه کاری نگاه کنید به:

Joel Peters, *Pathways to Peace: The Multilateral Arab-Israeli Peace Talks*, (London: Royal Institute of International Affairs, 1996).

17. Peters, *op. cit.*, p. 306.

18. Makovsky, *op. cit.*, p. 40.

19. Ricardo Gomez, "The EU'S Mediterranean Policy" in *A Common Foreign Policy for Europe*, (eds.), John Peterson and Helene Sjursen, (London and New York: Routledge, 1998). p. 146.

20. Peters, *op. cit.*, p. 308.

21. *Ibid.*, P. 295.

22. *Ibid.*

23. Aguirrebengoa Pedro Lopez, "Transatlantic Co-Ordination and The Middle East Peace Process", in *The New Transatlantic Agenda and the Future of Eu-US Relations*, (ed.) Jorg Monar, (London: Kluwer Law, 1998). p. 43.

24. Peters, *op. cit.*, p. 307.

25. Aguirrebengoa Pedro Lopez, *op. cit.*, p. 44.

۲۶. تلکس خبری واحد مرکزی خبر، ۲۹ بهمن ماه ۱۳۷۷.

۲۷. گزارش واصله از سفارت جمهوری اسلامی ایران - بروکسل، ۱۳۷۹.

۲۸. برای اطلاع بیشتر از اجلاس سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نیس نگاه کنید به: شهرام فرسانی، اجلاس نیس و تحقق اهداف اروپایی فرانسه، مجله سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۲۰۳.

۲۹. گزارش واصله از سفارت جمهوری اسلامی ایران - بروکسل، فروردین ۱۳۸۰.

۳۰. همان، اردیبهشت ۱۳۸۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی